

علوم انسانی در بستر نگرش‌های فرهنگی ایستایی و پویایی

دکتر غلامعلی افروز^۱

چکیده

بدون تردید چگونگی نگرش‌های فرهنگی نسبت به «علوم انسانی» نقش بسزایی در منزلت و جایگاه آن در جامعه ایران اسلامی داشته است. نگاه تحلیلی به تاریخ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی بیانگر این حقیقت است که همواره تولید اندیشه‌های پویا و پردازش نظریه‌های نوین و پرچالش به دست اندیشمندان هوشمند و صاحبان تفکر واگرا در حوزه علوم انسانی بوده است. غالب خانواده‌ها فرزندان مستعد و سرآمد خود را برای درک هرچه بیشتر زبان و ادبیات فارسی، مفاهیم فلسفی و علوم قرآنی هدایت می‌نمودند. اصولاً آدم باسواد و متفکر و فرهیخته و دانشمند به کسی اطلاق می‌گردید که در عرصه علوم انسانی، بیان و کلام، نگارش و تحریر و تبیین مفاهیم نظری و پردازش نظریه‌های نوین بیشترین ورود و تبحر را داشت.

۱. استاد دانشگاه تهران

متأسفانه چند صباحی است که در کشور ما نظام معیوب تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی با تأثیرپذیری از فرهنگ مدرک‌گرایی حاکم بر تار و پود جامعه و با ایجاد بستر پدیدآیی و گسترش روزافزون کلاس‌ها و آموزشگاه‌های تک‌درسی، تقویتی، تست‌زنی و کنکورگری، ناخواسته در جهت به مسلخ بردن علوم انسانی و تضعیف ارزش‌های فرهنگی گام برمی‌دارد. امروزه با وجود ده‌ها هزار آموزشگاه کنکور و بازار پررونق تست‌زنی و ترغیب و تشویق جوانان برای حضور در پیش‌دانشگاهی‌های چندمیلیونی مثلاً غیرانتفاعی جهت احراز آمادگی برای ورود به دانشگاه بالأخص در رشته‌های پزشکی و مهندسی، حاکمیت علوم انسانی بر گستره علم و اندیشه جامعه روز به روز کمرنگ‌تر می‌گردد. تخصصی نمودن رشته‌های تحصیلی در دوره دبیرستان و ایجاد و تقویت رشته‌های نظری ریاضی، تجربی در کنار علوم انسانی و تشویق مستقیم و غیرمستقیم دانش‌آموزان مستعدتر برای ورود به رشته‌های ریاضی و تجربی از جمله آفات و موانع گسترش مطلوب علوم انسانی در عصر حاضر در جامعه اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ایران، نگرش‌های فرهنگی، نظام آموزشی، آموزش و پرورش.